

پیرو مطالعات و تحقیقاتی که سالهای ۷۳ - ۷۰ در باب موسیقی داشتم، تاریخچه دیدگاههای فقهی و علمی و نظرات فلاسفه و رساله‌های آنها و مباحث سماع در مکتب تصوّف را بررسی کردم. حاصل این مطالب، سه جلد کتاب شد. این مطالعات را - کم و بیش - ادامه دادم. اخیراً کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی را دست گرفته‌ام و یادداشتهایی بر می‌دارم و کتاب کوچکی در معرفی اغانی به نام بشنو شمیم عود چاپ کرده‌ام.

ابوالفرج اصفهانی به تألیف الاغانی و مقاتل الطالبيين شهرت فراوان دارد. آثار دیگری نیز از او منتشر شده است. ادب الغریاء، تصحیح صلاح الدین منجد، از دیگر آثار ابوالفرج است. آنچه موجب شد این یادداشت قلمی شود، داستانی بود که منجد در مقدمه این اثر به عنوان نمونه ای از بزرگواری و کرم یک استاد ایرانی نقل کرده است. استاد منجد می‌نویسد: «در سال ۱۹۶۵ دانشگاه تهران، مرا دعوت کرد تا در دانشکده الهیات (یا معقول و منقول) که ریاست آن را شادروان بدیع‌الزمان فروزانفر برعهده داشت سخنرانی کنم. او ادبیات عرب و شعر عربی را خوب می‌شناخت و یک مولوی‌شناس برجسته بود. روزی او را در منزلش زیارت کردم. خوب گوش می‌داد و خوب سخن می‌گفت. سخن درباره ابوالفرج و آثار او به میان آمد. استاد فروزانفر گفت: نسخه ای نفیس و منحصر به فرد از ادب الغریاء ابوالفرج، نزد من موجود است. کسی از آن خبری ندارد، ولی تو شایسته دیدن آن هستی. از دیدن آن، چنان ابتهاجی در من پدید آمد که وصف نشدنی است. از او درخواست کردم اجازت فرماید آن را مطالعه کنم. چیزی گفت که مرا بیشتر شرمند ساخت و فرمود: بزودی فیلمی از آن را در اختیارت می‌گذارم تا هم بخوانی و هم آن را چاپ کنی. مدتی نگذشت که فیلم را برایم فرستاد. در آن زمان درگیر برخی مشاغل سیاسی شدم و فرصت نکردم به تحقیق و تصحیح آن بپردازم تا این که در سال ۱۹۷۰ به مناسبت شرکت در جشنواره شیخ طوسی در مشهدالرضا (ع) او را ملاقات کردم. از کتاب ادب الغریاء سؤال کرد. خجالت زده شدم. چند ماه بعد او درگذشت و چاپ شده کتاب را ندید. همواره در خود احساس سپاس و امتنان عمیق نسبت به لطف آن دانشمند بزرگوار دارم که بی هیچ منّتی، این اثر مهم را در اختیار من گذاشت و مرا مرهون کرم و جود خود کرد و چه بسیار پیش آمده که با بزرگانی برخورد کرده‌ام و از نسخه‌ای که می‌دانستم نزد آنان است، سؤال می‌کردم و آنها وجودش را انکار می‌کردند! حتی خواهش می‌کردم مرا راهنمایی کنند، دریغ می‌ورزیدند.»

داستان تاریخی «بخل گنجوران» در کتب بسیار ضرب المثل شده، ولی همواره حاتم طائی منشانی نیز پیدا می‌شوند که باید رفتار و کردار آنان را درس عبرت کنیم و از آنچه به رسم امانت نزد بسیاری است، دیگران نیز توفیق بهره برداری را پیدا کنند که فرموده‌اند: «زکات العلم نشره».